



افسانه است یا واقعیت

گفتیم سرگذشت اصحاب کهف (خفتگان شهر افسوس) يك واقعیت تاریخی است که اسناد آن در تواریخ شرق و غرب موجود است. اکنون به بررسی مسأله از جنبه های علمی روز توجه کنید

هزار لیتر آب لازم است که ذخیره کردن آن در خود بدن معنی ندارد .

ثالثاً - اگر از همه اینها صرف نظر کنیم باز این اشکال پیش می آید که ماندن بدون شرایط یکتوخت برای چنان مدت طولانی به ارگانیزم آن صدمه می زند و ضایعات فراوانی بار خواهد آورد .

* * *

این ایرادها ممکن است در آغاز بن بستها و موانع غیر قابل عبوری بر سر راه این مسأله مجسم کند ، در حالی که چنین نیست زیرا :

اولا - مسأله عمر درازمدت - چند صدسال و حتی بیش از هزار سال - يك مسأله غیر علمی نیست، چه اینکه می دانیم طول عمر هیچ موجود زنده ای - از نظر علمی - میزان ثابت و معینی ندارد که با فرا -

در مورد خواب طولانی **خفتگان شهر افسوس (اصحاب کهف)** که سالیان درازی بطول انجامید ممکن است افرادی تردید کنند و آنرا باموازین علمی سازگار ندانند، و لذا آنرا در ردیف اسطوره ها و افسانه ها فرض کنند زیرا :

اولا چنین عمر طولانی چند صدساله برای افراد بیدار بعید است تا چه رسد به افراد خواب .
ثانیاً - اگر قبول کنیم که در بیداری چنین عمری امکان پذیر است برای کسیکه در خواب باشد مسلماً امکان ندارد زیرا مشکل غذا و آب پیش می آید که چگونه ممکن است انسانی در چنان مدتی بدون غذا و آب زنده بماند، و اگر برای هر روز فرضاً يك كيلو غذا و معادل يك لیتر آب در نظر بگیریم برای عمر اصحاب کهف، بیش از یکصدتن غذا ، و یکصد -

نیست ، زیرا مصرف غذای بدن به هنگام خوابهای عادی کمی از حال بیداری کمتر است و روی هم رفته برای سالهای متمادی بسیار زیاد خواهد بود ، ولی باید توجه داشت که خوابهایی در جهان طبیعت وجود دارد که مصرف غذای بدن در آنها بسیار ناچیز است .

زمستان خوابی :

بسیاری از جانداران هستند که در سراسر زمستان در خواب فرو می روند و با اصطلاح «**زمستان خوابی**» دارند .

در این نوع خوابها فعالیتهای حیاتی تقریباً متوقف می گردد ، و تنها شعله بسیار ضعیفی از آن روشن است ، «قلب» تقریباً از ضربان می افتد ، و یابه تعبیر صحیحتر ضربان آن بقدری ضعیف می شود که ابدأ قابل احساس نیست ، در این گونه موارد بدن را می توان به کوره های عظیمی تشبیه کرد که به هنگام خاموش کردن آنها «شمعی» از آن در حال اشتعال است . واضح است که مقدار خوراکی را که آن کوره در یک روز از مواد نفتی (مثلاً) می طلبد تا شعله های عظیم خود را به آسمان بفرستد ممکن است خوراک دهها یا صدها سال آن در حال اشتعال شمعی بسیار کوچک باشد (البته این بستگی به شعله های عظیم حال بیداری کوره ، و حال شمعی آن دارد) .

دانشمندان در مورد زمستان خوابی بعضی از جانداران چنین می گویند :

«اگر وزغی را که در حال زمستان خوابی است از جایش بیرون آوریم ، بنظر مرده می رسد ،

رسیدن آن، مرگ، حتمی باشد .

به عبارات دیگر درست است که نیروهای جسمی انسان هر چه باشد بالاخره محدود و پایان پذیر است ، اما این سخن به آن معنی نیست که بدن یک انسان یا موجود زنده دیگر توانائی زیست بیشتر از مقدار عادی را ندارد ، و مثلاً همانطور که در طبیعت هنگامی که آب به یکصد درجه حرارت رسید می جوشد و در درجه صفریخ می زند ، انسان هم به یکصد یا یکصد و پنجاه سال که رسید قلب او متوقف گردد و مرگ او فرارسد .

بلکه میزان طول عمر موجودات زنده بستگی زیادی با وضع زندگی و شرایط خاص آن دارد ، و با تغییر آن کاملاً تغییر پذیر است . گواه زنده این سخن این است که از یک طرف می بینیم هیچیک از دانشمندان جهان میزان معینی برای عمر انسان کشف نکرده اند ، و از سوی دیگر توانسته اند در آزمایشگاهها گاهی طول عمر بعضی از موجودات زنده را به دو ، یا چند برابر ، و گاهی به ۱۲ برابر و بیشتر برسانند ، و حتی امروزه ما امیدواری می دهند که در آینده با پیداشدن «روشهای نوین عملی» عمر انسان نیز به چندین برابر فعلی افزایش خواهد یافت . این درباره اصل مسأله طول عمر (بطور خلاصه)

ثانیاً - در مورد آب و غذا در این خواب طولانی اگر خواب عادی و معمولی باشد ، می توان حق را به ابرادکننده داد که این موضوع با اصول علمی سازگار نیست ، زیرا مصرف غذای بدن به هنگام خوابهای عادی کمی از حال بیداری کمتر است و روی این موضوع با اصول علمی سازگار

اکسیژن ، و نیازشان به این ماده حیاتی بقدری زیاد است که اگر چند دقیقه از آن محروم بمانند ضایع می شوند .

حالا چطور ممکن است جناب مرتاض هندی کمبود اکسیژن را مثلاً برای مدتی در حدود يك هفته تحمل کند ؟

پاسخ این سؤال با توجه به توضیحی که دادیم چندان مشکل نیست ، در این مدت فعالیت حیاتی بدن مرتاض تقریباً متوقف می گردد . بنابراین نیاز سلولها به اکسیژن و مصرف آن فوق العاده تقلیل می یابد ، بطوری که در این مدت همان هوای محفظه تابوت برای تغذیه یک هفته سلولهای تن او کافی است .

منجمد ساختن بدن انسان زنده :

در مورد منجمد ساختن بدن جانداران و حتی بدن انسان برای طولانی ساختن عمر آنها ، امروز تئوریهها و بحثهای فراوانی است که قسمتی از آن جامعه عمل به خود پوشیده است .

طبق این تئوریهها ، ممکن است با قراردادن بدن انسان یا حیوانی در سرمای زیر صفر ، حیات و زندگی او را متوقف ساخت . بدون اینکه واقعا بمیرد . و پس از مدتی که لازم باشد او را در حرارت مناسبی قرار دهند و دوباره به حال عادی باز گردد .

برای مسافرتهای فضائی به کرات دور دست که احتمالاً صدها یا هزاران سال طول می کشد طرحهایی پیشنهاد شده که یکی از آنها همین طرح است که

درشهای آن هوا نیست ، ضربان قلبش چنان ضعیف است که نمی توان به آن پی برد... در میان حیوانات خون سرد که زمستان خوابی دارند بسیاری از پروانه ها و حشرات و حلزونهای خاکی و خزندگان را می توان نسام برد . بعضی از پستانداران (خونگرم) نیز زمستان خوابی دارند ، در دوران زمستان خوابی فعالیتهای حیاتی بسیار کند می شود و چربی ذخیره بدن آنها به تدریج مصرف می گردد» (۱)

منظور این است که يك نوع خواب داریم که در آن نیاز به غذا ، فوق العاده تقلیل پیدا می کند ؛ و فعالیتهای حیاتی نزدیک به صفر می رسد ، و اتفاقاً همین موضوع کمک به جلوگیری از فرسودگی اعضا و طول عمر این گونه جانداران می کند . اصولاً زمستان خوابی برای این حیوانات که احتمالاً قادر بر تحصیل غذای خود در زمستان نیستند فرصت بسیار گرانبهائی است .

نمونه دیگر : دفن مرتاضان

در مورد مرتاضان نیز دیده شده است که بعضی از آنها را در برابر چشمان حیرت زده عده ای از افراد دیر باور ، در تابوتی گذارده و گاهی برای مدت یک هفته در زیر خاک دفن کرده اند ، و پس از تمام شدن مدت مزبور بیرون آورده و ماساژ و تنفس مصنوعی می دهند تا کم کم به حال عادی باز گردند .
مسئله نیاز به غذا در این مدت اگر مهم نباشد ، مسئله نیاز به اکسیژن هوا بسیار مهم است . زیرا میدانیم حساسیت سلول های مغز مخصوصاً در برابر

می‌اندیشند و نشریاتی چون «لایف» و «اسکوائر» و همچنین روزنامه‌های سراسر جهان شدیداً به بحث درباره این مهم پرداخته‌اند و از همه مهمتر اینکه برنامه‌ای هم‌اکنون (در این زمینه) در دست اجرا است» (۱)

چندی قبل نیز در جرائد اعلام شده بود که در میان یخهای قطبی، که به گواهی قشرهای آن، مربوط به چند هزار سال قبل بود، ماهی منجمدی پیدا شده که پس از قرار گرفتن در آب ملایمی زندگی را از سر گرفته، و در مقابل دیدگان حیرت زده ناظران شروع به حرکت کرده است.

روشن است که حتی در حال انجماد دستگاههای حیاتی همانند حال مرگ متوقف نمی‌گردند، زیرا در آن صورت بازگشت به حیات ممکن نبود.

از مجموع این گفتگوها نتیجه می‌گیریم که متوقف ساختن و کند کردن فوق‌العاده حیات امکان پذیر است، و مطالعات مختلف علمی، امکان آنرا از جهات مختلفی تأیید کرده است.

و در این حال مصرف غذای بدن تقریباً به صفر می‌رسد و ذخیره ناچیز موجود در بدن می‌تواند برای زندگی بطسیء آن در سالهای دراز کافسی باشد.

مسلماً خواب اصحاب کهف يك خواب عادی و معمولی مانند خوابهای شبانه ما نبوده است، و خوابی بوده که کاملاً جنبه استثنائی داشته است،

بدن فضا نورد را در محفظه خاصی قرار دهند، و آنرا منجمد سازند، و پس از سالیان دراز به هنگام نزدیک شدن به کرات مورد نظر، با يك سیستم خود کار، حرارت عادی به محفظه برگردد، و آنها بحال عادی درآیند، بدون آنکه در حقیقت عمری تلف کرده باشند.

در یکی از مجلات علمی این خبر انتشار یافت که در سالهای اخیر کتابی درباره «منجمد ساختن بدن انسان بخاطر يك عمر طولانی» به قلم «رابرت فیلسون» منتشر شده که در جهان دانش انعکاس وسیع و دامنه داری داشته است.

در مقاله ای که در مجله مزبور در این زمینه تنظیم شده بود تصریح شده که اخیراً يك رشته علمی در میان رشته های علوم نیز به همین عنوان بوجود آمده است، در مقاله مزبور چنین می‌خوانیم:

«زندگی جاویدان در طول تاریخ همواره از رؤیا های طلائی و دیرینه انسان بوده، اما اکنون این رؤیا به حقیقت پیوسته است و این امر مدیون پیشرفتهای شگفت انگیز علم نوینی است که «گریونیک» نام دارد (علمی که انسان را به عوالم یخندان می‌برد و ازاو همچون بدن منجمد شده‌ای نگهداری می‌کند به امید روزی که دانشمندان او را به زندگی دوباره بازگردانند)

آیا این منطقی باور کردنی است؟ بسیاری از دانشمندان برجسته و ممتاز، از جهات دیگر به این مسأله

توجه به اینکه غار در یکی از ارتفاعات آسیای صغیر در منطقه سردی بوده، شرایط استثنائی خواب آنها را روشن ترمی سازد .

از سوی دیگر قرآن می گوید «و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال» (۳) «ما آنها رابه سوی راست و چپ برمی گردانیدیم» و این نشان می دهد که آنها در حال یکنواختی کامل نبوده اند و عوامل رموزی که هنوز برای ما ناشناخته مانده است (احتمالا در هر سال یکبار) آنها رابه سمت راست و چپ می گردانده است تا به ارگانیزم بدن آنها صدمه ای وارد نشود .

* * *

اکنون که این بحث از نظر توجیه علمی بقدر کافی تعقیب شده رابطه آن با بحث « معاد » باز می گردیم .

(دنباله دارد)

بنابراین جای تعجب نیست که آنها در خواب طولانی خود نه گرفتار کمبود غذا شوند، و نه ارگانیزم بدن آنها صدمه ببیند .

جالب اینکه از آیات سوره کهف در باره سرگذشت آنها برمی آید که طرز خواب آنها با خوابهای معمولی فرق داشته است : **و تحسبهم ایقاظا وهم رقود . . . لـ واطلعت علیهم لولیت منهم فرارا و لملئت منهم رعبا (۱) :** «آنها چنان به نظر می رسیدند که گویا بیدارند (چشمشان باز بود) اگر آنها را مشاهده می کردی از وحشت فرار می کردی و ترس سراسر وجود تو را فرا می گرفت»

این آیه گواه بر آن است که آنها يك خواب عادی نداشته اند ، بلکه حالتی شبیه حالت يك مرده - با چشم گشوده - داشته اند علاوه قرآن می گوید «نور آفتاب بدون غار آنها نمی تابد» (۲) و با

وای بر کسی که ...

پیامبر گرامی اسلام (ص) میفرماید :

«و یل لمن لایعلم و یل لمن علم ثم لایعمل ...»

«وای بر آنکس که نداند، و وای بر کسی که بداند و عمل نکند!»

۱ - سوره کهف آیه ۱۸

۲ - سوره کهف - ۱۷

۳ - سوره کهف - ۱۸